

می ۲۰۰۵

دیدگاهی از آقای هیچکس* hitchcas@yahoo.com

با اسلام چه باید کرد؟

پیشگفتار

ربع قرن است که توان میهن و هم میهن ما زیر ستم یک حکومت مذهبی اسلامی و دست نشانده بیگانه به فرسایش می‌رود. **نقشه اینست که ایران ویران باشد و ایرانی ویلان.** ما می‌خواهیم که این نباشد. برای درمان سیاسی و اجتماعی مادر بیمارمان ایران¹ یک پرسش بنیادین در مقابل داریم؛ **چه باید کرد؟** این پرسش را سالهاست که عاشقان و دوستداران ایران و علاقمندان به تلاش برای نجات ایران از خود و دیگران پاسخ می‌خواهند.

در سپتامبر 2002 در پاسخ به درخواست همگانی آقای محمد حسینی مسئول تارنمای "چه باید کرد www.chebayadkard.com"، در کنار پاسخ دیگران، من هم برای یافت راه درمان درد وطن دوست داشتنی مان با پندار و گفتار ساده و غیر روشنفکری خودم در نوشتار "چه باید کرد"² پیشنهاد کردم، تاکید کردم، و حتی اغراق کردم که تنها راه نجات ایران از هرج و مرج سیاسی کنونی ایجاد یک حرکت، تشکل، یا حزب سیاسی جدید می‌باشد. نوشتنم که حرکتها و تشکلهای سیاسی موجود جوابگوی احتیاجات سیاسی و اجتماعی روز ایران نمی باشند. گذشت زمان بسیاری را هم بر این ایمان پایدار کرده است که بنا بر مصداق نوشته شاعر پر آوازه ایران حافظ، بایستی طرحی نو در انداخت³؛

بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

حال فرض می‌گیریم که پیشنهاد چه باید کرد من به مرحله اجرا درآمده و یک تشکل سیاسی جدید پدید آمده است. از آنجایی که حکومت کنونی ایران دست نشانده بیگانه است و دارای مرام مذهبی اسلامی می‌باشد، در گراپندار⁴ هیچکسها⁵، این حرکت سیاسی جدید (و یا هر حرکت مردمی دیگر) در راه نجات ایران با دو چالش بنیادین دیگر مواجه خواهد بود و لازم است که برای هر کدام پاسخ داشته باشد. دو "چه باید کرد" دیگر را اینگونه تعریف می‌کنم؛ **با اسلام چه باید کرد؟ با دولت سایه جهانی چه باید کرد؟**

در این نوشتار به اسلام و کاربرد آن در ایران نجات یافته می‌پردازم. بررسی دولت سایه جهانی و لزوم بلدکاری در همزیستی با آن مورد نوشتار دیگر من خواهد بود. دولت سایه، ایران را ملک خصوصی خود میداند و آدمهای خودش را برای اداره ایران می‌خواهد. پافشاری می‌کنم و توجه بفرمایید که غفلت از امیال این دولت سایه غفلت از نهادینه کردن تلاش برای نجات ایران بدست میهن پرستان ایران است.

گفتار

تعداد بسیار کمی از ما انسانها که می‌خواهیم بدانیم و می‌خوانیم و می‌جویم تا یاد بگیریم، بر این راستی آگاه گشته ایم و این راستی را پذیرفته ایم که خدا آفریننده انسان نیست! بلکه این انسان است که خدا را آفریده است! و تیزهوشانی از میان ما خود را پیامبران این خدا نمایان کرده اند. و رندانی از میان ما در پیام این پیامبران نان و آب یافته اند و معصومیت، نیاز، و باور ما به نیروی ماورا را با نام باور مذهبی به بازی امیال خود گرفته اند. و تا بوده همین بوده و تا ناآگاهی و نیاز هست همین خواهد بود. یعنی باور مذهبی ماندنیست. میتراپیسم فراموش شود زرتشتیسم جایگزین میشود. اگر موسوی نباشد، عیسوی میشود. مسیحیت کار نکند اسلامیش ظهور میکند. اسلام را از گیتی پاک کنی رندی دیگر باوری دیگر جواب نیاز ما خواهد ساخت. تاریخ شهادت میدهد هر هنگام که باور مذهبی دست در حکومت کرده است چهل آن باور، جنون حقانیت به باورمند داده

است و آن باورمند دیوانه وار به نام مذهب بر مردم جنایت کرده است. آگاهیم که امروز در ایران حکومت جهل و جنون و جنایت برقرار است.

اساس فکری حکومت کنونی ایران، مذهبی، اسلامی، و شیعی می باشد. ساختار زیربنایی این مکتب فکری شامل ولایت فقیه، امپراتوری اقتصادی آستان قدس رضوی، صدها هزار آخوند، ده ها هزار مسجد و مدرسه مذهبی، هزارها بسیجی، صدها امامزاده، دهها حرم امامان، تقیه، خرافات دهشتناک مذهبی، محرم و عاشورا، رمضان و روزه، حج، زکات، خمس، صدقه، فتوا، جهاد، شهادت، تشکیلات و سازمانهای علنی و مخفی مذهبی، و میلیونها باورمند مسلمان می باشد. اگر بنویسم که همه ما دین را از حکومت جدا می خواهیم گزاف نگفته ام. اما با وجود ساختاری که بیان کردم چگونه در فردای ایران دین را از حکومت جدا نگاه داریم؟ سه نسل از اپوزیسیون ایرانی میگویند جمهوری اسلامی باید برود ولی نمیگویند پس از آن چه بیاید و از همه مهمتر با مکتب فکری و ساختار اسلامی که به ارث واگذار خواهد شد چه باید کرد! ما نسل چهارمها^۹ که از مردم هستیم و برای مردم، با پندار ساده و گفتار ساده خود نه تنها میگوییم که نوع حکومت آینده ایران جمهوری است^{۱۰} بلکه میگوییم که جایگاه اسلام در فردای ایران آزاد چه می باشد. ما برای این گفتار، خدا را تعریف میکنیم، دین را تعریف میکنیم، مذهب را تعریف میکنیم، و اسلام را تعریف میکنیم.

تعریف خدا

تعریف میکنیم که کلمه پارسی "خدا" کوتاه شده کلمات "خود ما" و به معنی "خودم" می باشد. همانطور که کلمه صلیب معرب کلمه ایرانی چلیپ یا چلیپا می باشد. ما خدا را یک کلمه کاملاً پارسی و ایرانی میدانیم که تعریف توانایی های فرد را میدهد. مثلاً، چه کسی روزی رسان است؟ خدا، یعنی خودم. چه کسی میتواند انسان را صاحب بچه کند؟ خدا، یعنی خودم. چه کسی میتواند خواندن و نوشتن یاد بگیرد؟ خودم اگر خدا بخواهد، یعنی اگر خودم بخواهم. چه هنگامی ایران نجات می یابد؟ اگر خدا بخواهد دو سال دیگر! یعنی اگر خودم بخواهم. و قس علیهذا. پس خدا یعنی خودم.

بر این باور هستیم که پس از پیروزی اعراب بر ایران و ممنوعیت استفاده از زبان پارسی، ایرانیان که از دیر باز به شرف، آزادگی، و توانایی انسانی باور داشتند از کلمه خدا بجای کلمه ممنوعه اهورا و کلمه زور شده الله برای تعریف آنچه که الله^{۱۱} نماد آنست استفاده میکنند. یعنی کلمه خدای پارسی بجای الله عربی بکار میرود. الله پیش از اسلام یک بت ساخته شده در دست انسان بود و الله اسلام هم ساخته شده ذهنیت توانای محمد ابن عبدالله می باشد. پس میبینیم که الله انسان را نیافریده بلکه انسان است که الله را آفریده! و چون ما الله را خدا مینامیم این انسان است که خدا را آفریده و نه بالعکس!

توجه بفرمایید بعضی از ما ایرانیان از جمله من که باور کورکورانه به الله را بدور انداخته ایم از اسلام نبریده ایم زیرا که اسلام یک روش زندگانی می باشد. ما بخود رسیده ایم و به تواناییهای خود یعنی خدا باورمند شده ایم و مسلمان هم هستیم اما نه از نوع عربی. مسلمان بودن ما قسمتی از ماهیت ما هست. انکار مسلمانی ما انکار ماهیت ما هست. ما خود را انکار نمیکنیم. ما مسلمان ایرانی هستیم و دین را از مذهب جدا میدانیم! نوشتار "دین و حکومت" را مطالعه بفرمایید.

حال پرسش میشود تکلیف خدایی که تا بحال به آن باور داشته ایم چه میشود؟ در تمدن و فرهنگ بزرگ ایران که میخواهند بیرنگ و نابودش کنند تعریف این خدا "جهان آفرین" می باشد.^{۱۲} خدایی که بخشنده و مهربان است و اساس دین را پندار و گفتار و کردار نیک قرار داده است. بد نیست که بدانیم کلمه انگلیسی "گاد" هم ریشه در همین کلمه پارسی خدا دارد. دلیلی دیگر بر توانایی فرهنگ و تمدن بزرگ ایرانی.

تعریف دین و مذهب

ما دین را خوب بودن و مذهب را چگونه خوب بودن تعریف میکنیم. ما دین و مذهب را دو پدیده مربوط ولی جدا از هم میدانیم. در نوشتار "[دین و حکومت](#)" دیدگاه و تعریف خود را شفاف بیان کرده ایم. امروز مذهب اسلام و شاخه شیعه که تعبیر و کاربرد ایرانی از اسلام است باور مذهبی رایج در ایران میباشد. بسیاری از ما بمناسبت حکومت آخوندی، کلا از اسلام و مخصوصا از شیعه منزجر هستیم و نفی دین و مذهب میگوییم. آیا میشود همانگونه که 1400 سال پیش اسلام را بزور شمشیر بر ما تحمیل کردند ما هم بگونه ای ایران را اسلام زدایی کنیم؟ و اگر نه، آیا میشود به استناد بر اینکه در قرن بیست و یکم هستیم و در پیرامونی مملو از آگاهها و وسایل ارتباطات جمعی گذران زندگی میکنیم نیاز افراد را به دین نفی کرد و جامعه ای فارغ از مسایل مذهبی براه انداخت؟

انشاءالله که لجاجت نمیکنید و قبول میفرمایید که پاسخ هر دو پرسش خیر است. بررسی کوتاهی در تاریخ پیدایش انسان و آگاهی به پیوند توأم بشر و مذهب خود دلیل کافی میباشد! اگر ایران را اسلام زدایی کردیم جایش چه بگذاریم یا چه خواهد آمد؟ پاسخ "هیچ" و یا "خرد ورزی" خود فریبی میباشد. اگر خرد ورزی کاربرد داشت اینجا که هستیم نبودیم! به شوروی سابق نگاه کنید که چگونه مردم در اولین فرصت پس از آزادی با تمایل فراوان به پرورش باورهای مذهبی بازپرداختند! آیا ترکیه با همه تلاشهای آتاتورک غیر مذهبی شد؟ چرا راه دور برویم؟ در همین ایران خودمان آیا زور رضاشاه در مقابله با چادر، نوعی پوشش ایرانی تبدیل شده به اسلامی، کار کرد؟ آیا زمینه مذهبی انقلاب سال 57، از شروع تا حتی امروز، قابل انکار است؟ آیا گسترش قابل ملاحظه اسلام فقط ناشی از زور بوده و یا نه، تمایل به مسلمان شدن هم در گسترش و پرورش اسلام سهمی داشته است؟ بیایید با خود فریب نکنیم. نفی مذهب و اسلام زدایی کاربرد ندارد! پس در چالش نجات ایران و در ایران نجات یافته که مذهب یک باور شخصی خواهد بود و از حکومت و روابط قانونی جامعه جدا خواهد بود با اسلام چه کنیم؟ ما میگوییم اسلام را باید از نو شناخت و تعریف کرد.

تعریف اسلام

ما اسلام را یک مذهب یعنی نوعی از روش زندگانی به منظور دینداری تعریف میکنیم. اسلام یا سایر مذاهب فقط یک باور مذهبی نیستند. همه مذاهب دستورالعملی هستند برای چگونه زندگی کردن که رابطه مستقیم با زمان و مکان دارند. اسلام که در پیش از انقلاب و حتی امروز در ایران پیروی میشد و میشود با اسلامیکه مثلا در پاکستان، بوسنی، یا امریکا پیروی میشود متفاوت میباشد. یعنی روش زندگانی مسلمانان در مکانهای متفاوت ناشی از محیط و عاداتهای زندگانی منطقه ای است. مثلا در ایران امروز مرسوم است که دولتمردان در حکومت اسلامی ته ریش داشته باشند. در حالیکه فلان وزیر کشور مسلمان اندونزی با صورت تراشیده اجازه وزارت دارد و دنیا هم کن فیکون نمیشود! گروهی از مسلمانان نماز را با دستهای بهم آمده میخوانند و گروهی با دستان آویزان و آب هم از آب تکان نمیخورد. پس اسلام یک روش زندگانی است که آن را بنام فرمایش الهی بخورد ما داده اند.

خورشت فسنجان را در نظر بیاورید. در گیلان آنرا با گوشت اردک و رب انار ترش در ظرف گلی (گمچ) میپزند. همان خورشت را در تهران یا شهر دیگر ایران با گوشت چرخ کرده گاو و رب انار و قیسی برای شیرین شدن میپزند. در جای دیگر از گوشت مرغ و سایر مخلفات هم استفاده میشود ولی خورشت همان فسنجان است. تنها وجه مشترک خورشت فسنجان گردوی آن است که آنهم اگر از توپسرها باشد حرف ندارد! میبینیم که پخت خورشت فسنجان یک توانایی، تمایل، و ذائقه شخصی و محلی است.

هموطن، با همین قیاس و بهمین سادگی¹⁰ اسلام با وجه اشتراک یکتاپرستی یک روش زندگانی با ذائقه محلی و یک تمایل شخصی است. بسط آن به یک الزام و قانون اجتماعی بخاطر پیام خدا بودن اشتباه است زیرا پیش از این (تعریف خدا) آگاهی دادیم که خدایی را که بما یاد داده اند وجود

ندارد! چیزی که وجود نداشته باشد پیام ندارد! اسلام دیدگاه یک انسان (محمد) از چگونه زندگی کردن است که در طول زمان به آن شاخ و برگ داده اند!

در چالش نجات ایران مطابق نوشتار "**دین و حکومت**" و تعریف بالا می‌گوییم که اسلام دین نیست بلکه مذهب و یک روش زندگی غیر واحد است که تابع زمان و مکان می‌باشد. اسلام یک تعریف از چگونه دیندار بودن است. چون ما برای ایران فردا یک جامعه مدنی یعنی یک جامعه قانونمند، سکولار یعنی جدایی مذهب از امور اداری مملکتی، و دموکراتیک یعنی حکومت مردم بر مردم می‌خواهیم چگونه زندگی کردن و چگونه دیندار بودن از راه مذهب اساس روابط جامعه نخواهند بود. مردم در چگونه زندگی کردن مطابق با قوانین مدنی جامعه به هر طریق و باور مذهبی آزاد خواهند بود.

حال در چالش با ساختار زیر بنایی اسلام در ایران نجات یافته این تعریف را گسترش می‌دهیم و می‌گوییم که ترویج چگونه زندگی کردن اسلامی یک تجارت است. تبلیغ چگونه دیندار بودن از راه اسلام یک داد و ستد است. کالایی ارائه میشود و در ازای آن وجهی دریافت میشود. مثلاً برای یاد گیری زبان انگلیسی که چگونه بزبان دیگر سخن گفتن است کلاسی ارائه میشود و در مقابل خدمتی که ارائه میشود وجهی پرداخت میشود. ما تعریف میکنیم که اسلام یک فعالیت تجارته است که کالای آن باور مذهبی می‌باشد و خریداران این کالا مردم باورمند به اسلام هستند. 11 از جمله کارگذاران و خدمتگذاران این فعالیت آخوندها و نوجه هاشان می‌باشند. ما این فعالیت را شرکت مینامیم. این شرکت برای ارائه کالا و خدماتش مسجد، مدرسه علمیه، امامزاده، بارگاه و حرم امامان، و امثالهم در اختیار دارد. خدمات این شرکت بر اساس قرآن و توضیح المسایل و کتابهای مشابه می‌باشند. از جمله ابزار گردش کار این شرکت هم خمس و زکات و صدقه و موقوفات و حج و امثالهم می‌باشد.

از آنجایی که اسلام یک باور مذهبی عام و در سطح ملت می‌باشد این شرکت ملی خواهد بود یعنی صاحب این شرکت ملت ایران خواهد بود و از آنجا که ملت اداره امور مملکتی را بعهد دولت می‌گذارد اداره امور این شرکت ملی زیر نظارت دولت و با استقلال داخلی انجام خواهد گرفت. چون داد و ستد پیام اسلام یک شرکت بازرگانی است مانند همه فعالیت‌های بازرگانی مشمول قوانین مملکتی از جمله پرداخت مالیات بر درآمد و یا بازرسی می‌باشد. چون این شرکت ملی خواهد بود و اثر بنیانی بر ساختار اجتماع خواهد داشت موارد نظارت بر این شرکت و بازرسی از آن گسترده خواهند بود.

شاید تذکر داده بشود که نظارت دولت بر این شرکت که مذهبی می‌باشد خلاف اصل جدایی مذهب از حکومت می‌باشد. من می‌گویم خیر. در نوشتاری دیگر تعریف میکنم که یک مملکت از حکومت، دولت، و مردم ماهیت می‌گیرد که هر کدام در مقابل دیگری مسئولیت دارند. حکومت را مردم انتخاب میکنند، حکومت برای اداره مسایل مردم دولت تعیین میکند، و دولت مسئولیت خدمت به ملت را دارد. نظارت بر شرکت بازرگانی اسلام دخالت مذهب در دولت نیست بلکه نظارت دولت و در صورت لزوم دخالت دولت بر داد و ستد مذهب است و نه بالعکس. چون دولت در انجام وظایفش جوابگوی نمایندگان ملت است، مردم از طریق نمایندگان خود در اداره امور شرکت اسلام غیر مستقیم سهیم خواهند بود.

اسلام در ایران فردا (کلیات)

ما پیشنهاد "شرکت ملی اوقاف" یا شبیه به آن را میکنیم که تمامی اموال و اماکن و ساختارهای مذهبی از جمله آخوندها به آن انتقال داده خواهند شد و اداره کلیه مسایل مذهبی در مسئولیت این شرکت خواهد بود. صاحب این شرکت ملت ایران خواهد بود. اداره این شرکت با استقلال داخلی و مطابق با چهارچوب مصوب مجالس قانونگذاری در اختیار آخوندها قرار خواهد گرفت. "عبادت بجز خدمت خلق نیست" منشور اساسی این شرکت خواهد بود و میبایست بر سر در شرکت و در تمامی سرپرگهای شرکت نوشته بشوند. این شرکت انتفاعی ولی مردمی خواهد بود یعنی هدف شرکت کسب درآمد و سودآوری در ازای خدمات است ولی هدف آن چاپیدن مردم و یا شارلاتان

بازی با مردم نخواهد بود. این شرکت میتواند در سطح جهان مطابق با قوانین کشوری و بین المللی فعالیت اقتصادی و اجتماعی کند. فعالیت سیاسی کشورها و یا تاثیر گذاری بر روند سیاسی کشورها به هر طریق برای شرکت ملی اوقاف ممنوع میباشد. تنها استثنا استفاده از رسانه های عمومی برای آگاه کردن مردم دنیا از وضعیت کشور مربوطه میباشد که آنهم باید مطابق با قوانین کشوری و بین المللی باشند. برای مثال چنانچه وضعیت سیاسی کشوری، یا ملتی، یا گروهی از آدمها مثلا فلسطین مورد نگرانی شرکت اوقاف باشد شرکت میتواند نگرانی ها، پیشنهادات، و یا انتظارات خود را بدولت ایران، مثلا وزارت امور خارجه، نمایندگان مجالس قانونگذاری، و یا شخص رییس جمهور ارسال کند و پیگیر پاسخ باشد. چنانچه پاسخ دریافت نشد و یا مطلوب نبود شرکت میتواند از طریق آگهی، برنامه های رادیویی، تلویزیونی یا ماهواره ای، و سایر وسایل ارتباطات جمعی وضعیت ناهنجار سیاسی کشور مورد نظرش را آگاهی بدهد و از دولتها و سازمانهای داخلی یا بین المللی تقاضای رسیدگی کند.

پیش بینی میکنیم که سرمایه و درآمدهای این شرکت هزار ها میلیارد ریال برآورد شوند. ساختار اداری شرکت ملی اوقاف مشابه هر شرکت بزرگ تجارتي جهانی خواهد بود و حسابرسی دقیق مورد نظر خواهد بود. جدول حقوقی و میزان امتیازات دریافتی کارکنان این شرکت با تصویب مجالس قانونگذاری خواهد بود. با هرگونه سو استفاده مالی در این شرکت به شدت برخورد قانونی خواهد شد. فعالیتهای غیر مذهبی شرکت مثلا خریداری کارخانه نوشابه سازی و یا سرمایه گذاریهای خارجی با تصویب مجالس قانونگذاری خواهد بود. انتخاب و یا انتصاب مدیران این شرکت بر اساس توانایی مدیریت های مربوطه آنها و بعد با در نظر گرفتن موقعیت مذهبی و روابط دیگر خواهد بود. چنانچه فرد واجد شرایط برای مدیریت کل شرکت و یا واحدهای آن در میان آخوندها یافت نشود باید از متخصص های غیر آخوندی برای مدیریت استفاده کرد. دولت با عدم کفایت مدیران این شرکت به شدت رسیدگی خواهد کرد. 25 درصد از درآمدهای خالص این شرکت (پس از کسر هزینه های اداری از جمله مالیات و هزینه های نگاهداری مساجد و بارگاهها و غیره) میباید صرف هزینه های زیر بنایی اجتماعی غیر مذهبی از قبیل ساختمان و یا نگاهداری و تعمیرات مدرسه، بیمارستان، خانه یتیمان، خانه سالمندان، کتابخانه، محل بازی کودکان، و امثالهم در کشور باشد. 15 درصد از درآمد این شرکت میبایست صرف مخارج زندگانی افراد بی بضاعت شود. 5 درصد درآمد میبایست هزینه تعلیم و آماده سازی افراد بی بضاعت برای ورود به بازار کار و تامین زندگانی شخصی باشد. تا 30 درصد از درآمد میتواند هزینه های غیر مذهبی و اجتماعی در خارج از کشور بشود. تا 5 درصد میتواند هزینه مذهبی در خارج از کشور بشود. 20 درصد هم میتواند هزینه سرمایه گذاری داخلی یا خارجی بشوند. مجالس قانونگذاری نظارت مستقیم در این امور را خواهند داشت. دولت مطابق با قانون موظف به اهدای معافیت های مناسب مالیاتی در ازای فعالیتهای خدماتی شرکت اوقاف میباشد.

القاب ساختگی آیت الله، حجت الاسلام، و غیره منسوخ خواهند شد و نام آخوند بطور یکنواخت برای مقامات مذهبی بکار برده خواهد شد. آخوندها میتوانند از لباس فعلی آخوندی عبا و عمامه استفاده کنند. لقب دروغین سید منسوخ خواهد بود و رنگ عمامه سفید و یکنواخت خواهد بود. برای دلخوشی، آنهایی که ادعایی دارند میتوانند شال سبز به شکم خود بپینند! ما این را یک مسئله داخلی مذهبی میدانیم. برای آخوند شدن و دریافت مدرک آخوندی داشتن حداقل مدرک چهار ساله کارشناسی در هر رشته ای از یکی از دانشگاههای دنیا که به تایید وزارت مربوطه (مثلا علوم) رسیده باشد لازم خواهد بود. فرد علاقمند به آخوندی میتواند همزمان از سال چهارم دانشگاهی در مدرسه آخوندی تحصیل کند. آخوندهای پیش از این قانون که مدرک دانشگاهی ندارند بنا بر سن و سابقه کاری شامل آیین نامه هایی که نوشته خواهند شد قرار خواهند گرفت. نوع و میزان تحصیل دروس آخوندی را هیئت امنای شرکت اوقاف یا هیئتی مشابه با آن با رای اکثریت تعیین میکند. تعداد آخوند مورد نیاز سالانه برای پوشش کشوری یا خارجی با پیشنهاد شرکت و تایید مجلس شورای ملی یا سنا خواهد بود. مجلس از سازمان بازرسی کل و سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران (ساواما)¹² گزارشهای لازم را قبل از اخذ تصمیم درخواست خواهد کرد.

آخوندها میتوانند از رسانه های گروهی و مطابق با قانون برای تبلیغ باور خود استفاده کنند و یا مطابق با قانون رسانه خودشان را داشته باشند. اشخاص و سازمانها هم میتوانند مطابق قانون از رسانه های گروهی برای نقد و یا رد تبلیغات مذهبی بهره ببرند. آخوند در صورت ترک شغل آخوندی با رعایت اصل جدایی مذهب از حکومت میتواند به مسایل سیاسی کشوری پردازد و برای رسیدن به مقامات سیاسی کشور تلاش کند. در صورت ترک پیشه آخوندی به منظور شرکت در سیاست فرد نمیتواند به پیشه آخوندی باز گردد. آخوندها میتوانند فردی یا گروهی نگرانی خود را از نگاه مذهبی در مورد قوانین مملکتی به نمایندگان مجالس قانونگذاری، سازمانها و یا اعضای دولت از جمله رییس جمهور اظهار کنند. سازمانهای مربوطه موظف به پاسخگویی بر اساس مفاد جدایی مذهب و حکومت میباشند و چنانچه لازم ببینند از راه رسانه های گروهی دلیل و پاسخ خود را به آگاهی مردم برسانند.

یکی از وظایف بسیار مهم شرکت ملی اوقاف بازنگری در اسلام و قرآن خواهد بود تا هر دو را با احتیاجات و انتظارات زندگانی قرن بیست و یکم وفق بدهد.¹³ روش زندگانی 1400 سال پیش صحرای عربستان در دنیای امروز مخصوصا در ایران نجات یافته قابل پذیرش نیست. خرافات زرتشتی شیعه شده میبایست باز نگری شوند. فرهنگ غصه خوری و عزاداری، دروغ گفتن، شارلاتان بازی، و چپاول مردم که از مشخصه های آخوندیسم فعلی میباشند بایست زدوده شوند.

شرکت ملی اوقاف سایر مذاهب را هم در پوشش خود خواهد داشت. برای هرکدام از مذاهب رایج در ایران مثل زرتشتی، کلیمی، مسیحی، و بهایی دفتر های مربوط به آنها با استقلال کافی و روابط و ضوابط مشابه آنچه تعریف شد در شرکت دایر خواهد بود. شاخه سنی مذهب اسلام هم دفتر خودش را در شرکت اوقاف خواهد داشت. از هر مذهب نماینده ای در اداره امور کلی شرکت ملی اوقاف مطابق قانون و متناسب با تعداد باورمند به آن مذهب سهم خواهند بود. هر گروه دیگری هم که ادعای مذهبی بودن داشته باشد و یا ادعای مذهب جدیدی را بکند مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تایید و مطابق با قانون از امتیازات جامعه مدنی ایران فردا بهره خواهد برد.

مراسم مذهبی اسلامی در ایران فردا (کلیات)

بافت جامعه ایران از هفت هزار سال پیش مذهبی میباشند. امروز، آداب اسلامی شیعه در تار و پود اکثریت ایرانی جای گرفته است. ما شیعه را یک پدیده ایرانی میدانیم که رابطه تنگاتنگ با ماهیت ایران کنونی در بافت اجتماع داخلی و روابط بین المللی دارد. شیعه مانند شیر و خورشید یک جنس ساخت ایران با بهره وری از سنن پیش از اسلام ایران میباشند. با توجه به این واقعیات و اکثریت باورمند شیعه، تعطیلات و مراسم مذهبی باز نگری خواهند شد. ما تعطیلات مذهبی که اساس باور مذهبی اسلام و شیعه بر آنها استوار است را محترم میدانیم و پیشنهاد میکنیم که پس از مطابقت با عرف و فرهنگ ایرانی رعایت شوند. مبعث پیامبر، میلاد و وفات ایشان، ولادت و شهادت امام علی، تاسوعا و عاشورا، شهادت امام رضا، عید فطر و قربان از جمله تعطیلاتی هستند که ما پیشنهاد به رعایت آنها میکنیم. ما برای بزرگداشت این تعطیلات در کنار مراسم مذهبی که شخصی خواهند بود مراسم ایرانی و ملی مطابق با معنی مذهبی آنها تعریف میکنیم.

ما پیشنهاد میکنیم که ماه رمضان و فرهنگ روزه محترم شناخته شود ولی اجباری در روزه داشتن نباشد. روزه خواری وقیحانه نفی بشود. یعنی روزه خواری کردن با نیت آزار فرد روزه دار و یا با نیت بی احترامی به ماه رمضان عمل زشت و غیر اخلاقی شناخته شود و قابل شکایت و پیگرد قانونی باشد.

ما پیشنهاد میکنیم که ماه محرم و فرهنگ نگاهداری حرمت این ماه و اجرای مراسم مربوط به آن رعایت شود. ما فرهنگ عزاداری را تعدیل میکنیم. قمه زنی غیر قانونی میباشند و اقدام به قمه زنی در مکان و انظار عمومی مطابق با قانون و بجرم صدمه بدنی به شخص قابل پیگرد خواهد بود.

ما تاسوعا و عاشورا را جشن شهید اعلام میکنیم.¹⁴ ما برای شهیدان خود عزاداری نمیکنیم. در این روزها یاد شهیدان راه آزادی و عدالت اجتماعی برای ایران را گرامی میداریم و مراسم شادمانی مناسب با این روزها را بر پا میداریم. میلاد امام علی را روز مردانگی، شجاعت، و وفاداری نام میدهیم زیرا که علی در شب هجرت پیامبر با علم به احتمال کشته شدن در جای پیامبر خوابید تا جان او را محافظت کرده باشد. در این روز مردانگی، شجاعت، و وفاداری ایرانیان چه زنده و چه از دنیا رفته در راه ایران و ایرانی را گرامی میداریم. شهادت امام علی را روز نامردانگی و خیانت مینامیم. در این روز نام و خاطره خیانتکاران به آرمانهای ایران و ایرانی و زیان نامردانگیهای آنها را بیاد خواهیم آورد. عید فطر را روز شکر به سلامت و توانایی مینامیم و توصیه میکنیم که مردم به نشانی از برخورداری از سلامتی و توانایی به روزه گرفتن به افراد ناتوان و یا سازمانها که به ناتوانان در جامعه کمک می‌رسانند کمک کنند. عید قربان را که نشانی توانایی مالی فرد برای سفر حج و پرداخت هزینه های آن میباشد روز شکر به توانایی مالی مینامیم و به مردم توصیه میکنیم به سازمانهای خیریه و افراد نیازمند یاری مالی کنند. شهادت امام رضا را روز دسیسه نام میدهیم و در کنار مراسم مذهبی برای بزرگداشت این روز، خاطره و اثرات دسیسه های تاریخ ایران را مرور خواهیم کرد. بارگاه امام رضا جاذبه توریستی بسیار قدرتمندی دارد. با دید کاملاً تجارتي و مطابق با فرهنگ ایرانی از این موقعیت استفاده بهینه خواهیم کرد.

ما فرهنگ ایرانی را بر فرهنگ اسلامی مزیت میدهیم. مراسم ملی بر مراسم مذهبی اولویت دارند. مثلاً در همزمانی نوروز، چهارشنبه سوری، و یا سایر مراسم و جشنهای ملی یا عاشورا یا سایر مراسم مذهبی بزرگداشت جشنها و مراسم ملی واجب است. ما پیشنهاد میکنیم که روزهای مذهبی مهم سایر مذاهب هم مورد بررسی قرار گیرند تا در صورت مناسبت رعایت شوند.

مردم و اسلام در ایران فردا (کلیات)

در جامعه مدنی و سکولار ایران فردا، اسلام و یا هر مذهب دیگر یک باور شخصی خواهد بود. پوشیدن و یا نپوشیدن چادر، روسری، مانتو، و امثالهم اختیاری میباشد. اجرای آداب اسلامی (مذهبی) اختیار شخصی خواهد بود که در خانه یا اماکن مذهبی انجام خواهد گرفت. برای استفاده از اماکن عمومی مانند خیابان برای اجرای مراسم مذهبی مانند دسته سوگواری عاشورا اجازه قانونی لازم خواهد بود. پخش اذان بصدای بلند و آزار دهنده مبع قانونی خواهد داشت. هر فرد مسلمان آزاد است به هر خرافات مذهبی که مایل است باور داشته باشد و هر فرد مسلمان یا غیر مسلمان آزاد است مطابق با قوانین جامعه مدنی برای نفی خرافات مذهبی آگاهی بدهد. باور به هر مذهبی و تغییر به هر باور مذهبی یک اختیار شخصی میباشد. هیچ فردی و یا قانونی نمیتواند باور به یک مذهب و یا اجرای آداب مذهبی را برای فرد دیگری به یک الزام تبدیل کند. هرکس بدلیل باور اسلامی (مذهبی) آزادی فرد دیگری را مورد آزار قرار دهد مطابق با قانون چه شاکی خصوصی داشته باشد یا نه قابل پیگرد خواهد بود.

در نگاه کلی اجتماعی، رابطه مردم با مذهب اسلام بسوی آنچه که پیش از انقلاب بود سوق داده خواهد شد، یعنی عیسی بدین خود موسی بدین خود. گول دیو صفت (اهریمن) مذهب اسلام بداخل شیشه بازگردانیده خواهد شد تا فرشته نیکویی آن (اهورا) بر سر ما بال بگرداند!

من هیچکس هستم، یکی از هفتاد میلیون ایرانیهای داخل و خارج، حقوق بگیرم و به فکر امروز و فردای زن و بچه و عاقبت وطنی که هنوز به یادش بغضم میگردد. نه روزنامه نگارم و نه استاد علوم سیاسی، نه سر پیازم و نه ته آن ولی خود پیازم و عاشق ایران. خسته شده ام از اینهمه پروفیسور و مدعای سیاسی که برایم راه و چاه میافزینند. برمیخیزم تا بگویم که من هم هستم. و تا هستم ایران هست و آزاد انسان ایرانی. [\(بازگشت\)](#)

(توجه بفرمایید که تلاش من نگاه غیر روشنفکری به مسایل وطن عزیزمان و بیان آنها به زبان غیر روشنفکری است.)

زیرنگاشت:

- 1 - ما میهنمان ایران را مادر مینامیم و مادر میدانیم زیرا که مادر نماد باروری، زایش، و پرورش آدمیست. ما زاینده این مادر و پرورده در دامان او هستیم. ایرانی بودن ما ناشی از زایش در خاک ایران است. پرورش ما در دامان تمدن، فرهنگ، زبان، موسیقی، دین، و روش زندگانی این مادر است که ماهیت ماست. و اینچنین است که ایران را دوست میداریم و بر حال او افسرده میشویم و چون احساس هستی میکنیم هستی او را میخواهیم زیرا که هستی ما از اوست. آیا در مقام فرزند وظیفه ای در مقابل سلامت و آسایش زندگانی مادرمان ایران داریم؟ پاسخ میدهیم که داریم و همه این کارها که میکنیم برای ایران میکنیم. [\(بازگشت\)](#)
- 2 - نوشتار "**چه باید کرد**" آغاز بنیان مکتب فکری هیچکسهاست (زیرنگاشت 5). برای مطالعه این نوشتار [لطفاً اینجا را کلیک کنید](#). [\(بازگشت\)](#)
- 3 - طرح ما برای درمان درد ایران با کاستی های خودش موجود است! اما اجرای آن کار هر کس نیست! این را از ابتدا آگاه بوده ام. بررسی عملکرد مدعیان نجات ایران و پیش آزمایشهای ما در یکی دو سال اخیر یک پاسخ گزارش میدهند؛ هیچکسها باید بیایند و عامل اجرای طرح شوند؟! چاره سالم دیگری را نمی یابم. توجه بفرمایید که طرح و برنامه برای نجات ایران منحصر به یک شخص یا یک گروه نیست. خیلی ها برنامه برای نجات ایران پیشنهاد میکنند اما راه به مقصد نمیبزنند. چرا؟ شاید که از مردم نیستند و برای مردم نیستند! برنامه ها هم که کما بیش شبیه و مشترک هستند زیرا که درد یکیست و طبیعتاً درمان یکسان یا مشابه خواهد بود. عامل عمل است که موفقیت یا شکست طرح را نوید میدهد. با توجه به شکست مدعیان نجات ایران در ربع قرن اخیر و وخامت حال و روز ایران بیمار، ما بر این باور شده ایم که درمان درد ایران پزشکی دیگری را میطلبد. بعضی از طرحهای شکست خورده برونمرزی از این قرار هستند: پیشنهاد اتحاد رضا پهلوی، اتحاد جمهوریخواهان در اروپا، پروژه ایران فردا (اس او اس ایران بعدی)، هخا بازی، فراندنم بازی، و انواع و اقسام کنگره و شورا. پژوهشهای ما نشان میدهند که محور اصلی شکست این برنامه ها نامردمی بودن آنها بوده اند. نفوذ لابی اسرائیل و عوامل یهود سیاسی که در نهایت به دولت سایه جهانی وصل هستند از دیگر عوامل موثر شکست این طرحها و عدم مقبولیت آدمهای این حرکتها میباشد. [\(بازگشت\)](#)
- 4 - من کلمه فارسی "گراپندار" را در جای کلمه انگلیسی "دکترین" به معنی "روش فکری" یا "اصول کاری" بکار میبرم. گراپندار را از همایش پسوند "گرا" به معنی "تمایل" در جای پیشوند و "پندار" یعنی "فکر" ساخته ام. کاربرد این کلمه را در جایی دیگر ندیده ام. شاید بلحاظ دستور زبان فارسی ترکیبی ناآشنا باشد. ولی اجازه میخواهم ابداع آن را لزوم بر شروع حرکت هیچکسها بنامم. خود یک ابداع دیگر! [\(بازگشت\)](#)
- 5 - هیچکسها آدمهای بی نام و نشان در میدان سیاست هستند. آدمهای عادی اجتماع که سرشان به کار خودشان مشغول بود و اداره امور مملکت و جامعه را در صلاح سیاسیون میدیدند تا اینکه انگشت در سوراخ حوصله آنها کردند. تجربه سیاسی آنها در مقابل مدعیان سیاسی هیچ است ولی افکار و آرمانهای آنها پوچ نیست. برخاسته اند و میگویند که ما هم باید سخن بگوییم. مگر نه که همه دادها برای ایران هست و ایرانی! ما هم از این ایرانیان هستیم. میگوییم که تا شنیده شویم. ولو اینکه ساده پندار باشیم. ولو اینکه عامی بگوییم. ولو اینکه بی پیرایه بنویسیم! برای آشنایی با روند فکری ما به نوشته های من در [سامانه هیچکسها](#) مراجعه بفرمایید. [\(بازگشت\)](#)
- 6 - برای آشنایی با اپوزیسیون نسل چهار [اینجا را کلیک کنید](#). [\(بازگشت\)](#)
- 7 - برای اینکه بدانید چرا جمهوری انتخاب ما برای نوع حکومت است [اینجا را کلیک کنید](#). [\(بازگشت\)](#)

8 - در باور مذهبی یک نیروی تعریف میشود که آفریننده زمین و آسمان و کھکشان و انسان و هر آنچه در روی زمین و آسمان است میباشد. در ایران پیش از اسلام این نیرو را اهورا یا جهان آفرین میخواندند. تواناییها و ضعفهای انسان ناشی از خودش بود و نه از این نیرو (پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک). در عربستان پیش از اسلام یک بت بزرگ بود بنام الله که نماد یک سری از تواناییها بود. محمد ابن عبدالله که بنیان فکری اسلام را پایه گذاشت همه تواناییهای چندین بت عرب را در یک پدیده واحد تعریف کرد و چون الله نامی جا افتاده و مورد قبول اعراب شبه جزیره عربستان بعنوان نماد بزرگی از تواناییها بود پدیده واحد را الله نامید. با همین سیاست و تدبیر بازرگانی محل نگاهداری بتها را خانه الله نامید و مراسم عربی زیارت کعبه را بنام حج وارد اسلام کرد. مکتب فکری اسلام محمدی از میان فرهنگ دخترکش و برده پرور عرب بیابان نشین 1400 سال پیش عربستان و با استفاده از دروغ (الله) پدید آمد. در نتیجه اسلام محمدی با وجود پیام برادری و برابری در بنیان ضد بشر است یعنی مخالف تواناییهای انسان است و او را خوار و خفیف در مقابل الله میداند. یک دلیل عقب ماندگی ملت‌های مسلمان شده خفت انسان مسلمان است که تواناییهای او را خنثی کرده است. خفتی که در طول تاریخ صاحب زور و زر برای بهره‌وری از انسان مسلمان استفاده بسیار از آن کرده است. شاهد هستیم که همین انسان مسلمان که از زیر دروغ اسلام یعنی الله خلاص میشود و بر تواناییهای خودش مسلط میگردد در راه زندگانی چندین برابر موفقیت بدست میآورد. بارزترین اثبات این حقیقت وضعیت جامعه مهاجر ایرانی میباشد. در آمریکا که خودم شاهد هستم ایرانی فرار کرده از ایران و سر خورده از اسلام، باور کورکورانه به الله را بدور انداخته و به باور تواناییهای خودش رسیده است. میبینیم و میشنویم که در جامعه فرصت ساز آمریکا ایرانیان از موفق ترین مهاجرین جدید هستند زیرا به شکرانه آزادی و عدالت اجتماعی که میوه‌های دموکراسی هستند بر تواناییهای خود مسلط گشته‌اند. [\(بازگشت\)](#)

9 - امروز، دانش بشری پاسخ برای پیدایش کره زمین و حیات از جمله انسان را یافته است. یعنی خدا نه زمین را آفریده است و نه آنچه در زمین است منجمله انسان. توضیحات علمی در این مورد از حوصله این نوشتار خارج است. تنها پرسش بی پاسخ اینست که شروع پیدایش جهان (کھکشان در کھکشان) از کجاست؟ آیا نیروی هست که مبداء پیدایش هستی باشد؟ تا آنروز که به پاسخ برای این پرسش دست نیافته ایم میگوییم که آری نیروی هست! تمدن و فرهنگ پر بار ایران این نیرو را جهان آفرین یا آفریدگار هستی مینامد. [\(بازگشت\)](#)

10 - پاسخ و چاره برای بسیاری از مشکلات سیاسی و اجتماعی ما ساده، آشکار، و در دسترس ما هستند ولی مشکل در اینست که ما نمیخواهیم بدانیم و یا قبول کنیم. مثلاً حافظ که کتاب اشعارش در خانه بسیاری از ما هست و با اشعارش در خانه و کوچه و بازار و میهمانی و تلویزیون تقریباً روزانه فال میگیریم، هفتصد سال پیش برای ما یادگار گذاشت که آخوندها آدمهای صالح برای پیشبرد جامعه نیستند. بزبان ساده در شعر خود گفت که آخوندها آدمهای دورویی هستند ولی ما باور نکردیم و نمیخواهیم باور کنیم! (واعظان کین جلوه در محراب و منبر میکنند چون به خلوت میروند آن کار دیگر میکنند). یادمان داده‌اند که مغزهای پیچیده و افراد القاب و مقام دار با کلمات قلمبه سلمبه پاسخ به مشکلات را دارند. تعریف من از اسلام ساده است ولی ساده انگاری نیست. ما نیازی به گفتگوی تکنیکی و نقل قول از هگل و نیچه و هانتینگتون و فوکویاما و امثالهم نداریم. بعضی لذت میبرند که بشنوند رادیکال ریشه سه شصت و چهار میشود چهار! ما میگوییم که دو بعلاوه دو میشود چهار. [\(بازگشت\)](#)

11 - باور ما به تجارتي بودن اسلام یک باور تازه و ساخته پرداخته افکار ما نیست. انتخاب کعبه بعنوان خانه خدا از طرف پیامبر اسلام که خود یک بازرگان با تجربه بوده‌اند و قبول مراسم عربی زیارت خانه بتها بنام زیارت خانه خدا و مراسم حج در اسلام بارزترین پیوند تجارت و اسلام از ابتدای کار بوده است. حمله طرفداران اسلام به کاروانهای بازرگانی در شروع اسلام خود ماهیت و علاقه اسلام به مال و اموال که اساس تجارت میباشد را نشان میدهد. غارت و غنیمت کشورهای که نیروهای اسلام به آنها با حمله و کشتار دست یافتند و تقسیم اموال بین مسلمانان خود نشان تجارتي بودن اسلام میباشد. دریافت وجوه از مردم بنام اعمال اسلامی مثل خمس و زکات و حق امام نشانه

های دیگری از تجارتي بودن اسلام میباشند. کاری که ما اینجا کرده ایم واقعیت را به آگاهی خوانندگان رسانده ایم و راه حلی از درون اسلام بنام شرکت بازرگانی اسلام پیشنهاد کرده ایم.

تاریخ بما یاد میدهد که مسیحیت هم پس از شکست در حکومت به واقعیت تجارتي بودن مذهب رضایت داد و به آن پرداخت. واتیکان که یک تشکیلات عظیم اقتصادی میباشد در ظاهر و پوشش مذهب به داد و ستد بسیار پر سودی مشغول است. توریسم مذهبی یکی از ارکان درآمد برای واتیکان میباشد. با همین الگو ما میتوانیم باور مذهبی اسلام را به سود دهی مالی برای استفاده مردم هدایت کنیم. در استادی و تخصص مذهب یهود در علم و هنر تجارت اشاره نمیکم زیرا که شهره خاص و عام است. [\(بازگشت\)](#)

12 - ساواما کوتاه شده "سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران" میباشد. یکی از تشکیلات اساسی و اداری هر کشوری وجود سازمان اطلاعات و امنیت میباشد. آگاه هستیم که نام ساواما در تشکیلات اداری جمهوری اسلامی بکار برده شده است. این کاربرد نفی ساواما نیست. اگر ساوامایی در جمهوری اسلامی وجود داشته باشد در چهارچوب سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران باز سازی خواهد شد.

ساواما یک سازمان ملی خواهد بود. یعنی از مردم و برای مردم میباشد. رییس آن از طرف رییس جمهور تعیین میشود و با تصویب مجلس ماموریت به خدمت خواهد یافت. نظارت بر ساواما در عهده مجلس خواهد بود. مردم از طریق نمایندگان خود میتوانند از اعمال ساواما پرسش کنند و یا مستقیماً با روابط عمومی ساواما تماس بگیرند. در سال حداقل دو یا سه بار ساواما میبایست بازدید عمومی برای آگاهی مردم از وضعیت فعالیتهای سازمان (با حفظ رعایت مصالح ملی) داشته باشد. ساواما در داخل کشور قدرت دستگیری افراد را نخواهد داشت. ساواما میتواند مدارک لازم که نشان بدهند نیاز به دستگیری فردی میباشد به دادگاه ارائه کند و با حکم دادگاه پلیس به دستگیری شخص اقدام میکند. اینها گوشه کوچکی از ماهیت ساواما خواهد بود که برای رفع نگرانی از داشتن یک سازمان اطلاعاتی و امنیتی بیان کردم. مجالس قانونگذاری که از مردم و برای مردم خواهند بود حدود قانونی وظایف و اختیارات ساواما را تعیین خواهند کرد. [\(بازگشت\)](#)

13 - اسلام شیعه که امروز در ایران رایج است آلوده به ننگ رندان و زنگار فرهنگ مردگان میباشد و برای ایران فردا کاربردی ندارد. این اسلام باید بازننگری شود و از نو تعریف شود. باز نگری در مذهب یک پدیده جدید و یا ناشدنی نیست. تاریخ پر است از باز نویسی مذهب و کتابهای مذهبی و برداشتهای مطابق با احتیاجات روز از مذهب. مذهب زرتشتی خودمان که به جهل و جنون و جنایت رسید ما نویسم و مرام مزدکی از درون آن بیرون آمدند. بررسی سه مذهب سامی نشان میدهد که آنجا که یهودیت به جهل و جنون و جنایت رسید مورد بازننگری واقع شد و مسیحیت با برداشت 95 درصدی از میراثیسم ایرانی از درون یهودیت بیرون آمد. وقتی مسیحیت به جهل و جنون و جنایت رسید با تعریفهای نوین به شاخه ها متفاوت مثل کاتولیک و پروتستان تقسیم شد. اسلام برای پذیرش در ایران در قاموس شیعه باز نگری و ترویج شد. آنجا که شیعه ایرانی به جهل و جنون و جنایت رسید باز نگری شد و مذهب بهایی از درون آن بیرون آمد. باور مذهبی اسلامی سنی هم با تعریفات متفاوت باز نگری و شاخه شاخه شده است.

امروز یکبار دیگر شیعه با دستکاری بیگانگان از جمله یهود سیاسی به جهل و جنون و جنایت رسیده است. پیشنهاد میکنیم که دانشمندان مذهب اسلام و بطور اخص شاخه شیعه چرک انسان ستیزی اسلام را از اسلام بشورند و اسلامی مطابق با حقوق انسانی قرن بیست و یکم تعریف کنند. اگر اینچنین نکنند ما خود برای ایران، اسلام را از نو تعریف خواهیم کرد. سیاستمداران در وظیفه خود نسبت به ایران کوتاهی کردند و ما هیچکسها را به میدان سیاست آوردند. مذهب شناسان ما هم کوتاهی کنند ما هیچکسها آنچه را که برای اسلام در ایران لازم بدانیم انجام خواهیم داد! [\(بازگشت\)](#)

14 - برای آشنایی دیدگاه ما با عاشورا و مطالعه نوشتار "**نهضت حسین**" [اینجا را کلیک کنید](#). [\(بازگشت\)](#)